



دوماهنامه علمی - پژوهشی

د ۱۰، ش ۳ (پیاپی ۵۱)، مرداد و شهریور ۱۳۹۸، صص ۱۹۱-۲۱۲

چندمعنایی حروف ربط در زبان فارسی

مسعود دهقان^{۱*}، زهرا پروینی‌راد^۲

۱. استادیار گروه زبان انگلیسی و زبان‌شناسی دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

۲. مدرس گروه زبان انگلیسی دانشگاه پیام نور تهران، ایران.

پذیرش: ۹۷/۴/۱۱

دریافت: ۹۷/۲/۳۰

چکیده

چندمعنایی از موضوعات مهم و سنتی مطالعات معنی‌شناسی و روابط واژگانی است. واژه چندمعنا واژه یا تکواژی است که دارای چندمعنای مرتبط است. مطالعه چندمعنایی حروف ربط در زبان فارسی می‌تواند گامی در جهت شناخت پیچیدگی‌های آن و کمک در جهت تبیین صحیح ساخت زبان فارسی باشد. هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی چندمعنایی دو حرف ربط هم‌پایه «اما» و «ولی» در زبان فارسی بر اساس انگاره چندمعنایی اصول‌مند (انگاره چما) (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶) است. ماهیت روش انجام این پژوهش توصیفی - تحلیلی است. پیکره انتخاب‌شده از مصاحبه با سخنوران فارس‌زبان، استفاده از روزنامه‌های کثیرالانتشار و کتب دستور زبان فارسی به‌دست آمده و با استفاده از رویکرد شناختی تحلیل شده است. نگارندگان برای معانی متمایز این دو حرف ربط، به‌دلیل محدودیت حجم مقاله، تنها به ذکر نمونه‌هایی از هر مفهوم بسنده و هر یک را جداگانه در یک شبکه معنایی ترسیم کرده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مفهوم اولیه «اما»، «ولی» است و در شبکه معنایی آن سیزده معنای متمایز و دو خوشه معنایی وجود دارد. همچنین مفهوم اولیه «ولی»، نیز «اما» است و در شبکه معنایی آن هشت معنای مجزا و دو خوشه معنایی وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: معنی‌شناسی شناختی، حروف ربط، انگاره چندمعنایی اصول‌مند، زبان فارسی.

۱. مقدمه

زبان‌شناسی شناختی^۱ مکتبی جدید در زبان‌شناسی است که در اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی و در پی نارضایتی‌هایی از رویکرد صورت‌گرا به زبان پدید آمد (Evans & Green, 2006: 3).

این دیدگاه با فعالیت‌های بزرگانی چون لیکاف^۱، لانگاکر^۲ بنیان نهاده شد (Geeraerts & Cuyeckens, 2007: 3). در این دیدگاه خلاف زبان‌شناسی زایشی که تمرکز اولیه آن بر صورت زبان است، معنا در کانون توجه قرار می‌گیرد (Geeraerts, 2006: 3). زبان‌شناسان شناختی، همچون سایر زبان‌شناسان، زبان را به دلیل خود آن مطالعه می‌کنند و یک دلیل مهم مبنی بر اینکه چرا زبان‌شناسان شناختی به مطالعه زبان می‌پردازند، در این باور ریشه دارد که زبان بازتاب الگوهای تفکر است. به باور آن‌ها، زبان منعکس‌کننده ویژگی‌های اساسی خاصی بوده و آنچه را در ذهن بشر می‌گذرد طراحی می‌کند (Evans & Green, 2006: 5). واژه چندمعنا به واژه‌ای گفته می‌شود که از چندمعنای مرتبط به هم تشکیل شده باشد. در مورد چندمعنایی^۳، گویشوران معناهای مختلفی برای یک واژه در دایره واژگانی ذهنی‌شان در نظر دارند و در بافت‌های مناسب از آن‌ها استفاده می‌کنند. با وجود اینکه در بسیاری از موارد واژه‌های چندمعنا از واژه‌های تک‌معنا قابل تشخیص هستند؛ اما مواردی هم هست که با قاطعیت نمی‌توان به این تمایز دست یافت. در این موارد برخی بر این باورند که چندمعنایی محصول خود واژه نیست؛ بلکه این پدیده در بافت‌های مختلف در نظر گرفته می‌شود (سبزواری، ۱۳۹۶).

صفوی (۱۳۹۱:۱۱۱) چندمعنایی را از جمله آشناترین روابط مفهومی می‌داند که در سنت مطالعه معنا به آن پرداخته است و آن را شرایطی معرفی می‌کند که یک واحد زبانی از چند معنا برخوردار شود. همچنین راسخ مهند (۱۳۸۹:۱۰۰) در بررسی چندمعنایی به نگاه دو رویکرد غیرشناختی و شناختی اشاره و بیان می‌کند که در رویکرد شناختی مفهوم چندمعنایی تعبیر دیگری دارد و آن اینکه واژه‌ای چندمعناست که اولاً دارای یک معنای اصلی و مرکزی باشد و دوم اینکه دارای معانی فرعی مرتبط با آن معنای اصلی باشد که با استفاده از سازوکارهای شناختی قابل تبیین باشد. یکی از مسائل مورد بحث در زبان‌شناسی شناختی توصیف معنایی حروف اضافه است. در میان واژگان چندمعنا، حروف اضافه در تمام زبان‌ها دارای گستره وسیعی از مفاهیم متفاوت هستند. این موضوع نیز شایان توجه است که تاکنون هیچ دیدگاهی مانند معناشناسی شناختی نتوانسته است تحلیل دقیقی از حروف اضافه ارائه دهد؛ زیرا در نظریه‌های پیشین، معنا همواره در یک رابطه یک‌به‌یک میان صورت‌های زبانی و واقعیت‌های جهان خارج تبیین می‌شود. به‌طور کلی، یکی از مسائل مورد بحث در زبان-

شناسی شناختی توصیف معنایی حروف اضافه است (زاهدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۸؛ Sandra & Rice, 1995). نگارندگان در این مقاله به مسئله موجود در توصیف چندمعنایی حروف ربط «اما» و «ولی» به عنوان حروف ربط هم‌پایه در زبان فارسی پرداخته‌اند. به همین منظور، پژوهش حاضر با بررسی چندمعنایی حروف ربط هم‌پایگی «اما» و «ولی» در فارسی بر اساس انگاره چندمعنایی اصول‌مند^۵ (انگاره چما^۶) ایوانز و گرین (2006: 342) و نیز با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی قصد دارد تا به این پرسش اساسی پاسخ دهد که کدام یک از معانی حروف ربط «اما» و «ولی» مفهوم اولیه یا سرنمون^۷ و کدام‌ها به عنوان معانی حاشیه‌ای آن در نظر گرفته می‌شوند. نتایج پژوهش حاضر نشان داده است که گویشوران زبان فارسی، حرف ربط «اما» را در سیزده معنای مجزا و دو خوشه معنایی^۸ «تقابل» و «استعاری»^۹ و حرف ربط «ولی» را در هشت معنای مجزا و دو خوشه معنایی «تقابل» و «استعاری» مورد استفاده قرار می‌دهند. گفتنی است که برای هر مفهوم و معنایی که از این حروف ربط به دست آمد، مثال‌ها و نمونه‌های فراوانی وجود دارد؛ اما به دلیل محدودیت حجم مقاله، تنها به ذکر نمونه‌هایی از هر مفهوم بسنده می‌کنیم.

پژوهش حاضر شامل شش بخش است. بخش اول مقدمه است، بخش دوم به پیشینه پژوهش پرداخته است. بخش سوم به روش‌شناسی پژوهش اشاره دارد. در بخش چهارم انگاره چما تعریف خواهد شد. بخش پنجم به تجزیه و تحلیل داده‌ها خواهد پرداخت و در بخش پنجم نتیجه‌گیری پژوهش را خواهید دید.

۲. پیشینه پژوهش

در این بخش مطالعات زبان‌شناختی پژوهشگران در این زمینه بررسی خواهد شد تا مشخص شود که موضوع و محدوده این دسته از مطالعات چه بوده و به چه نکته‌هایی در این زمینه توجه شده است. در ابتدا پژوهش‌های ایرانی و سپس پژوهش‌های غیرایرانی مرور می‌شود. گفتنی است پیش از این، پژوهش‌هایی در زمینه چندمعنایی حروف اضافه و واژگانی در زبان فارسی بر اساس رویکرد معنی‌شناسی شناختی صورت گرفته است؛ اما تا آنجا که نگارندگان اطلاع دارند، درباره چندمعنایی حروف ربط در زبان فارسی تاکنون بررسی‌ای انجام نگرفته است.

دهقان (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی معنایی حروف اضافه /wæ/، /læ/، /wæpi/ و /wægærd/ در کردی بر اساس رویکرد شناختی» بیان کرده است که تمرکز اصلی این مقاله بر حروف اضافه در گویش کلهری کردی بوده است. نگارنده پس از واکاوی معانی مجزای برخی حروف اضافه بر اساس انگاره چما (Evans & Green, 2006; Evans & Tyler, 2004a, 2004b) در معنی‌شناسی شناختی مشخص کرد که معنای سرنمون /læ/ و /wæ/، که در برخی موارد به جای هم با معنای یکسان و کاربرد یکسان مورد استفاده قرار می‌گیرند، «از» است که در شبکه معنایی آن هجده معنای متمایز و پنج خوشه معنایی وجود دارد، با این تفاوت که /wæ/، علاوه بر این هجده معنای متمایز، در دو معنای متمایز دیگر به کار می‌رود که /læ/ نمی‌تواند در آن جایگاه‌ها به کار رود. از این رو معنای سرنمون /wæ/ «از» بوده و در شبکه معنایی آن بیست معنای مجزا به دست آمده است. معنای سرنمون /wægærd/ «با» است که در شبکه معنایی آن یازده معنای متمایز و سه خوشه معنایی به دست داده شده است. همچنین نگارنده اشاره کرده است که حرف اضافه /wæpi/ دارای معنای سرنمون «به» بوده که دارای پنج معنای متمایز و دو خوشه معنایی است. در همین راستا، نگارندگان در پژوهش حاضر اگرچه به بررسی حروف ربط «اما» و «ولی» پرداخته‌اند؛ اما چارچوب مورد نظر آن‌ها انگاره چما در رویکرد شناختی است که در مقاله دهقان (۱۳۹۷) و پژوهش حاضر این نکته به وضوح روشن است که فرهنگ‌نویسان می‌توانند با بهره‌گیری از دستاوردهای معنی‌شناسی شناختی، نگاهی جامع‌تر و دقیق‌تر در فرهنگ‌نویسی به دست آورند و از این دستاوردها می‌توان در آموزش زبان نیز بهره برد.

سبزواری (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی انواع چندمعنایی در فارسی معیار با رویکردی شناختی» بیان می‌کند که چندمعنایی در وهله نخست و اساساً در مورد واژه‌ها و تک‌واژه‌های منفرد مطرح است. همچنین کاربرد واژه‌ای که اساساً چندمعنا نیست در بافت‌هایی به فعال شدن و نمایان شدن برخی از ویژگی‌های مفهومی و شناختی مشخصی از آن واژه منجر می‌شود و بافت نیز می‌تواند در وهله بعد در بروز و باز نمود چندمعنایی واژه عاملی مؤثر باشد. زمانی که می‌گوییم جمله دارای چند معناست در واقع هم‌نشینی چند واژه در کنار واژه چندمعنا سبب چند خوانش و چندمعنایی جمله می‌شود. بنابراین، چندمعنایی جمله ناشی

از بروز چند معنایی واژه‌های خاص در آن جمله بر اساس هم‌نشینی آن واژه با واژه‌های مجاور است. البته یک جمله در مواردی بدون در نظر گرفتن روابط هم‌نشینی هم می‌تواند در چند بافت چند معنا داشته باشد. به باور وی نگاه رویکرد شناختی به چندمعنایی در زبان مبتنی بر مفهوم اولیه و مرکزی، انتخاب و فعال‌سازی ویژگی خاص یک مفهوم، تأثیر بافت، دسترسی ذهنی و شناختی گویشور به الگوی شناختی مورد نظر جهت تعبیری خاص است و این رویکرد همواره نقش ذهن و الگوهای شناختی واژگانی را در بازیابی و فعال‌سازی معنی مورد نظر از یک واژه چندمعنا در نظر می‌گیرد.

بامشادی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی معنایی سه حرف اضافه‌ی æra, ta, wæɪ در کردی گورانی از دیدگاه شناختی» به بررسی معنایی سه حرف اضافه‌ی æra, ta, wæɪ / æra / ta / wæɪ / در گویش گورانی از دیدگاه شناختی پرداخته‌اند. آن‌ها در پژوهش خود چندمعنایی این سه حرف اضافه را از دیدگاه رویکرد چمای تایلر و ایوانز (۲۰۰۱) بررسی کرده‌اند. نگارندگان با بهره‌گیری از این الگوی اصول‌مند، سعی در واکاوی معنایی این حروف اضافه در کردی گورانی داشته‌اند و بر اساس یافته‌های پژوهش نشان داده‌اند که حرف اضافه‌ی wæɪ / دارای نه معنای مجزا و دو خوشه‌ی معنایی، حرف اضافه‌ی ta / دارای چهار معنای مجزا و æra / دارای چهار معنای مجزا و یک خوشه‌ی معنایی است.

روشن و همکاران (۱۳۹۲) به نظریه‌ی لیکاف در زمینه‌ی چندمعنایی پرداخته و بیان کرده‌اند که از نظر لیکاف چندمعنایی‌ها هنجارهای زبانی هستند و نه استثنائات. لیکاف استدلال می‌کند که واحدهای واژگانی را باید به‌مثابه‌ی مقوله‌هایی مفهومی دانست که از طریق انگاره‌های شناختی آرمانی‌شده یا پیش‌نمونه‌ها سازمان می‌یابند. طبق این نظر، چندمعنایی به این دلیل به‌وجود می‌آید که کلمات به شبکه‌ای از مفاهیم واژگانی متصل می‌شوند؛ البته معمولاً یک معنای نمونه‌ای و مرکزی وجود دارد که آن‌ها را به هم وصل می‌کند.

راسخ‌مهند و همکاران (۱۳۹۲) شبکه‌ی معنایی حروف اضافه‌ی «در» و «سر» کرده و نیز با تکیه بر بحث‌های زبان‌شناسی شناختی مطرح در زمینه‌ی چگونگی درک حوزه‌ی انتزاعی، رابطه‌ی زمان و مکان در دستور فارسی را بررسی کرده‌اند. آن‌ها پس از استخراج معانی مختلف حروف اضافه‌ی مذکور از فرهنگ سخن، با استفاده از معیارهای تایلر و ایوانز (۲۰۰۳) معنای اولیه و معانی متفاوت هر حرف اضافه را معین و درنهایت شبکه‌ی معنایی آن را ترسیم کرده-

اند. با این تفاوت که پژوهش حاضر چندمعنایی را بر اساس معیارهای ایوانز و گرین (2006) بررسی کرده است.

ایوانز (2013) در چارچوب نظریه خود با عنوان «نظریه مفاهیم واژگانی و الگوهای شناختی» رویکرد جدیدی را در مطالعات چندمعنایی برمی‌گزیند. نگرش ایوانز در میان سایر نگرش‌های زبان‌شناسی شناختی جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا به واسطه مفاهیم واژگانی بین واحدهای دانش زبانی و دانش غیرزبانی تمایز قائل می‌شود. دانش زبانی در قالب مفاهیم واژگانی است که این مفاهیم محتویات معنایی طرح‌واره‌ای را تا حد ممکن رمزگذاری می‌کنند و نوعاً معانی بافت - بنیاد را مشخص و تعیین و دانش غیرزبانی یا دایره‌المعارفی را در قالب وجوه الگوی شناختی مطرح می‌کنند.

تایلر و ایوانز (2003:120) به بررسی چندمعنایی حرف اضافه «over» در زبان انگلیسی پرداختند و برای نخستین بار این نکته را یادآور شدند که خلاف نظریات پیشین که معنای اولیه یک صورت زبانی چندمعنا به صورت دلبخواهی و با توجه به نظر شخصی معنی‌شناس یا زبان‌شناس انتخاب می‌شد، تعیین مفهوم اولیه از قواعد خاصی پیروی می‌کند و سایر مفاهیم آن حرف اضافه نیز از طریق اصول شناختی محدودی از آن مفهوم اولیه مشتق می‌شوند. شیوه پیشنهادی آن‌ها مختص حرف اضافه است؛ ولی این دو امید داشتند روش پیشنهادی‌شان راه‌گشایی باشد برای درک بهتر چندمعنایی سایر مقولات زبانی. در ادامه آن‌ها به ارائه روشی برای تعیین معانی متمایز یک حرف اضافه و پیش‌صحنه پرداختند. پژوهش حاضر قصد دارد تا این الگو را در مورد دو حرف ربط «اما» و «ولی» در زبان فارسی مورد مطالعه و بررسی قرار دهد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

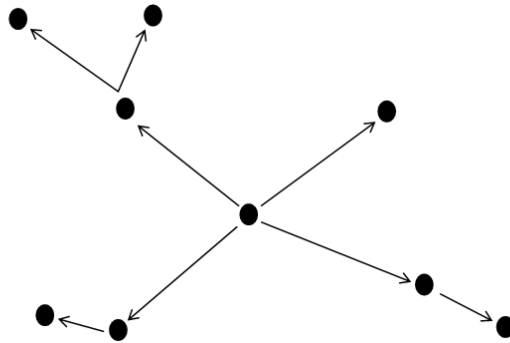
ماهیت انجام این پژوهش کیفی، توصیفی - تحلیلی بوده و نوع آن پیکره‌بنیاد و از داده‌های زبان فارسی انتخاب شده است. گفتنی است که پژوهش حاضر با بررسی چندمعنایی حروف ربط «اما» و «ولی» بر اساس انگاره چما (Evans & Green, 2006) به تحلیل داده‌ها پرداخته است. داده‌ها به دو روش کتابخانه‌ای و میدانی از کتاب *دستور زبان فارسی* انوری و گیوی، روزنامه‌ها، اینترنت و نیز مصاحبه با گویشوران فارسی‌زبان از گروه‌های سنی ۲۱ تا ۴۰

سال با تحصیلات دیپلم تا دکتری جمع‌آوری شدند. پس از بررسی‌های دقیق، نگارندگان متوجه شدند که «اما» دارای سیزده معنای متفاوت و دو خوشه معنایی است و همچنین حرف ربط «ولی» دارای هشت معنای متفاوت و دو خوشه معنایی است.

۴. انگاره چما

اساس زبان‌شناختی شناختی را می‌توان رویکردی دانست که در آن دانش زبانی مستقل از اندیشیدن و شناخت نیست. درواقع، زبان وسیله‌ای برای سازمان‌دهی، پردازش و انتقال اطلاعات در نظر گرفته می‌شود و معنی‌شناسی شناختی بر مدل‌ها و سازوکارهای شناختی که ورای فعالیت‌های زبان ما قرار دارند و آن‌ها را ممکن می‌سازد، تأکید می‌کند. در معنی‌شناسی شناختی فرض بر این است که عملکردهای عالی شناختی ما که معنا و استدلال^{۱۱} را ممکن می‌سازند، درواقع امتداد فعالیت‌های حواس ما و غیر قابل تفکیک از آن‌ها هستند. در این رویکرد نقش زبان ایجاد تعبیر^{۱۲} و نگاشت^{۱۳} میان حوزه‌های مختلف ذهن است (گلفام و همکاران، ۱۳۸۵: ۶۱). از آن‌جا که در زبان‌شناسی شناختی، زبان بخشی از توانایی‌های کلی انسان در نظر گرفته می‌شود، در بررسی آن موارد زیر اهمیت دارد: الف) ابزارهای مقوله‌بندی در زبان‌های طبیعی (تصاویر ذهنی، استعاره و ...؛ ب) فصل مشترک مفاهیم در معنی‌شناسی و نحو؛ ج) ارتباط میان زبان و تفکر (زاهدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۸). به‌طور کلی، در نگرش شناختی مقولات زبانی متمایز از مقولات مفهومی نیستند و بیشتر معانی واژه‌ها نوعی شبکه شعاعی^{۱۴} در نظر گرفته می‌شوند؛ یعنی مقوله‌ای به‌صورت زیرمقوله سرنمون و مرکزی است که با مجموعه‌ای از بسط‌های معنایی غیرمرکزی ترکیب می‌شود. درواقع در این شبکه شعاعی، معانی مختلف یک واژه با توجه به معنای سرنمون، سازمان‌بندی می‌شوند. در معنی‌شناسی شناختی می‌توان از مفاهیمی نام برد که در تمامی نظریه‌های این رویکرد ثابت‌اند و از اصول بنیادی آن‌ها به‌شمار می‌روند. انگاره چما یکی از مفاهیم مطرح‌شده در معنی‌شناسی شناختی است که چارچوب نظری پژوهش حاضر را به خود اختصاص می‌دهد و دو هدف اساسی را دنبال می‌کند (Evans & Green, 2006). یکی اینکه مفهوم اصلی از میان مفاهیم مختلف در یک طبقه را مشخص و شناسایی می‌کند و بین مفاهیم و معانی نخیره‌شده در ذهن و مفاهیم و معانی برگرفته از بافت، تفاوت قائل است. به این معنا که اگر واژه‌ای در

بافتی یک معنای خاص داشته باشد که فقط در آن بافت به ذهن متبادر شود، نمی‌توان آن مفهوم را مفهوم اصلی و متمایز از دیگر معانی در نظر گرفت؛ زیرا در واژگان ذهن ذخیره نشده است، بلکه در بافت خاصی آن معنا به ذهن آمده و صرفاً در یک بافت خاص در جهان خارج آن معنا درک شده است. دوم اینکه مفهوم و معنای مرکزی و درواقع سرنمون با یک مقوله شعاعی خاص مشخص می‌شود. همچنین شبکه شعاعی شبکه‌ای مفهومی است که در آن چند مفهوم در ارتباط با یک مفهوم مرکزی سازمان‌بندی شده‌اند. نمودار ۱ تصویری انتزاعی از نحوه ارتباط معانی مختلف واژه در دیدگاه مقولات شعاعی^{۱۵} را نشان می‌دهد.



نمودار ۱: طرح انتزاعی مقوله‌های شعاعی (Evans & Green, 2006: 276)

Figure 1. Abstract scheme of radial categories (Evans&Green,2006:276)

نکته‌ای که اهمیت دارد آن است که نمودار ۱، به معنای ساختن معانی جدید برای واژه‌ها نیست؛ بلکه درواقع نشان از ارتباطی است که می‌توان میان معانی مختلف یک واژه در نظر گرفت.

انگاره چما با دو مفهوم شیء متحرک^{۱۶} و زمینه ثابت^{۱۷} ارتباط دارد. تایلر و ایوانز (2003) معتقدند که در چارچوب تحلیل معنایی حروف و تشخیص مفهوم سرنمون دو نکته اهمیت دارد: یکی درواقع همان رابطه مکانی - فضایی است که شیء متحرک و زمینه ثابت را به هم مرتبط می‌کند و دیگری جنبه کاربردی آن است که شیء متحرک و زمینه ثابت را نشان

می‌دهد. برای مثال هر حرف اضافه رابطه‌ای فضایی بین این دو نقطه است که تصور می‌شود منظری مکانی - فضایی را نشان می‌دهد. در واقع حروف اضافه به‌منزله و اژه‌هایی در جمله به‌کار می‌روند که رابطه میان شیء متحرک و زمینه ثابت را در جمله نشان می‌دهند. به عبارتی، بر این اساس در جمله‌ای مانند «قطار از تونل گذشت»، می‌توان جایگاه و موقعیت «قطار» را در مقابل «تونل» این‌گونه آشکار ساخت که در آن روابط فضایی میان دو موضوع^{۱۸} TR «قطار» و LM «تونل» متفاوت است. «قطار» همان شیء متحرک و «تونل» زمینه ثابت است که یکی در کانون توجه قرار دارد و برجسته‌تر از دیگری خود را می‌نمایاند. به باور لانگاکر (2008:71) برجستگی یکی از دو عنصر نسبت به دیگری در واقع زمانی نمایان می‌شود که رابطه آن دو عنصر در بافت مشخص شود.

۵. بررسی چندمعنایی حروف ربط هم‌پایه «اما» و «ولی» در زبان فارسی

در این بخش، ابتدا به‌طور مختصر به معانی حروف ربط «اما» و «ولی» که انوری و گیوی (۱۳۹۰) در کتاب *دستور زبان فارسی (۱) و (۲)* بیان کرده‌اند، می‌پردازیم و سپس به‌طور مفصل به بررسی مفاهیم حروف ربط «اما» و «ولی» با استفاده از الگوی چما خواهیم پرداخت و مفهوم اولیه این حروف را مشخص می‌کنیم. در پایان شبکه معنایی آن‌ها را با استفاه از این الگوی شناختی ترسیم می‌کنیم.

انوری و گیوی (همان: ۱۷۲) برای حرف ربط «اما» معنای زیر را بیان کرده‌اند.

حرف ربط «اما» برای از میان بردن گمان نادرست شنونده و توضیح و روشن کردن مطلب و استثنا استفاده می‌شود. به نمونه زیر توجه کنید.

(۱) بچه‌ها آمده بودند؛ اما محسن نیامده بود.

انوری و گیوی (همان: ۲۵۰) معانی ذیل را برای حروف ربط «اما» به‌کار برده‌اند. به باور آن‌ها (همان) این حرف ربط در معانی «ولی»، «لیک» و «ولیکن» به‌کار رفته است. نمونه زیر مؤید این مطلب است.

(۲) اگرچه به ظاهر امر، ناکامی مداومی نداشته؛ اما برد اصلی با او بوده است.

آن‌ها (همان: ۲۵۵) بیان کرده‌اند که حرف ربط «ولی» برای استدراک و بازیافت در معانی «اما» و «ولیکن» به‌کار می‌رود. مثال زیر تأییدی بر این ادعاست.

(۳) آب داریم؛ ولی برق نداریم.

انوری و گیوی (۱۳۹۰) به چندمعنایی مختلف «اما» و «ولی» پرداخته‌اند؛ ولی هیچ اشاره‌ای نشده به اینکه کدام معنا به‌منزله معنای سرنمون و اصلی این حروف ربط و کدام‌ها معنای حاشیه و غیرمرکزی در نظر گرفته می‌شوند.

۵-۱. معانی متمایز حرف ربط «اما» در زبان فارسی

۵-۱-۱. مفهوم اولیه

معنای «ولی» نخستین معنا و مفهومی است که از حرف ربط «اما» به ذهن سخنگوی فارسی-زبان می‌آید و معنای اولیه این حرف ربط است و نوعی تقابل معنایی را نشان می‌دهد. حرف ربط «اما» در بافت‌های دیگر، معانی مختلفی دارد که در ادامه نگارندگان به آن‌ها می‌پردازند. مثال‌های زیر این مطلب را تأیید می‌کنند.

۱. زیبا از هم‌دستی با پدرش پشیمان است؛ اما پدرش هر بار با شیرین‌زبانی و استدلال-های غریبی که دارد دل او را نرم می‌کند.

۲. مقتول می‌خواست از صاحب سفره‌خانه طرفداری کند؛ اما بهرام با تیراندازی و گلوله با وی برخورد کرد.

۵-۱-۲. خوشه معنایی تقابل

«تقابل» خوشه‌ای معنایی است که در این مورد در هفت معنا که مقابله را نشان می‌دهد به‌کار رفته است. معانی زیر کاربردهای مختلف معنایی حرف ربط «اما» را نشان می‌دهد و گویشوران این هفت معنا را در معنای تقابل بین دو موقعیت یا بافت مورد استفاده قرار می‌دهند.

۵-۱-۲-۱. مفهوم «با وجود این»

در این‌جا حرف ربط «اما» به معنی «با وجود این» است و تقابل را نشان می‌دهد که نمونه ۳ تأکیدی بر این ادعاست.

۳. خانواده بزرگ و اصیل شکری سالیان سال است دغدغه تولید و اشتغال کهن دیار

کرمانشاهان را دارند و در این راه چه مشقات و سختی‌هایی را که متحمل نشده‌اند؛ ام هرگز دست از تلاش خستگی‌ناپذیر بر نداشته‌اند.

۵-۲-۱-۲. مفهوم «در حالی که/ در صورتی که»

در این جا حرف ربط «اما» به معنی «درحالی که» است و نوعی تقابل بین جملات را در بافت‌های مختلف نشان می‌دهد. کاربرد حرف ربط «اما» در مثال‌های زیر تأییدی بر این مطلب هستند.

۴. عده‌ای فرصت را نوعی شانس یا تصادف تعریف می‌کنند. به همین دلیل برای تحقق اهدافشان آن گونه که باید تلاش نمی‌کنند؛ ام کارآفرینان موفق معتقدند هر جای دنیا و با هر شرایطی که باشید، فرصت‌های متعدد در آن وجود دارد.

۵. مجلس سنا ۶۰ روز فرصت داشت تا در مورد بازگرداندن تحریم‌های هسته‌ای لغوشده ایران تصمیم‌گیری کند؛ ام با پایان این فرصت قانون‌گذاران نتوانستند تا به یک تصمیم قطعی در این باره برسند، بنابراین بار دیگر آینده حضور امریکا در برجام در هاله‌ای از ابهام قرار گرفت.

۶. هم اکنون ماهیانه بیش از ۲۰ هزار نفر به‌منظور دریافت وام در این صندوق سپرده‌گذاری می‌کنند؛ ام تسهیلات پرداختی کمتر از یک پنجم این میزان است.

۵-۲-۱-۳. مفهوم «با این حال»

در این جا برای حرف ربط «اما» در فارسی، معنای «با این حال» رمزگذاری شده است و تقابل را نیز می‌رساند. در دو مثال ۷ و ۸، این مفهوم و معنا مورد نظر گویشوران است.

۷. به گزارش باختر و به نقل از طلوع کرمانشاه آنچه تأسفبار است، جای خالی کرمانشاه در لیست شبکه تبلیغاتی ترکیش ایرلاین است؛ برند پروازی که شاید کرمانشاه را در سالیان پیش متحول ساخت، ام اکنون، کرمانشاه نه تنها از پروازهای این شرکت محروم است، بلکه در لیست شبکه تبلیغاتی ترکیش ایرلاین قرار ندارد.

۸. واگذاری این مکان‌ها به بخش خصوصی سبب شده که استفاده از آن‌ها که به‌منظور رفاه و استفاده جانبازان ساخته شده برای جانبازان رایگان باشد، ام چون این امکان به بخش خصوصی واگذار شده، استفاده از آن‌ها نیز برای جانبازان مستلزم پرداخت هزینه به

بخش خصوصی طرف قرارداد با بنیاد است.

۴-۲-۱-۵. مفهوم «این در حالی است که»

مفهوم «این در حالی است که» از دیگر مفاهیم حرف ربط «اما» است و دوباره تقابل میان دو جمله را نشان می‌دهد.

۹. شهردار افزود: این بدان معنی نیست که کرمانشاه کلان‌شهر شده و ما تنها با قول و- زیر از امتیازات مثبت کلان‌شهرها استفاده می‌کنیم؛ اما هنوز رسماً کلانشهر نشده‌ایم.

۵-۲-۱-۵. مفهوم «با این همه»

گویشوران فارس‌زبان از این حرف ربط در معنای «با این همه» نیز استفاده می‌کنند.

۱۰. شه‌پرست با قدردانی از زحمات پرسنل آتش‌نشانی کرمانشاه اظهار کرد: از نزدیک شاهد زحمات این پرسنل زحمت‌کش بودم؛ اما متأسفانه با وجود تلاش‌های بسیار، آن‌ها نتوانستند به نتیجه مطلوب در زمان دلخواه برسند و آتش را سریع خاموش کنند.

۶-۲-۱-۵. مفهوم «هرچند»

۱۱. رئیس دانشگاه علوم پزشکی با مطلوب ارزیابی کردن آمادگی دانشگاه علوم پزشکی در مواجهه با زلزله، گفت: به خودمان نمره ۲۰ نمی‌دهیم؛ اما در مجموع عملکردمان خوب بوده است.

۱۲. البته تعریف کلان‌شهر در سال ۱۳۸۷ توسط محمد سعیدی کیا، وزیر وقت مسکن و شهرسازی، در شورای عالی شهرسازی و معماری اصلاح شد و طبق آن شهرهای با جمعیت بیش از ۵۰۰ هزار نفر نیز کلان‌شهر محسوب شدند؛ اما به دلیل نداشتن تعریف حقوقی واحد از کلانشهر در ایران فقط شهرهای بالای یک میلیون نفر می‌توانند از مزایای قانونی مالیات بر ارزش افزوده بهره بیشتری ببرند.

۷-۲-۱-۵. مفهوم «اگرچه»

در مثال ۱۳ گویشوران حرف ربط «اما» را در معنای «اگرچه» به‌کار می‌برند.

۱۳. البته من قبول دارم هم‌دستی کردم؛ اما عامل اصلی قتل نبودم.

۵-۱-۳. خوشه معنایی استعاری

در این جا حرف ربط «اما» مفهومی را می‌رساند که از حوزه عینیت خارج است و با حوزه‌های انتزاعی ارتباط دارد. بنابراین، گویشوران این حرف ربط را در خوشه استعاری شبکه‌های معنایی به کار می‌برند.

۵-۱-۳-۱. مفهوم «تأکید»

حرف ربط «اما» به غیر از نشان دادن تقابل، به معنای «تأکید» هم به کار می‌رود و معنای «البته» می‌دهد. نمونه‌های ۱۴ و ۱۵ مؤید این مطلب هستند.
۱۴. صنایع دستی ریشه در گذشته، اما میل به آینده دارد؛ یعنی اصالت دارد، اما خلاقیت نیز دارد.

۱۵. شهردار اظهار کرد: فرودگاه می‌تواند تسهیلات و مشوق‌هایی را به شرکت‌های هواپیمایی ارائه دهد تا زمینه برقراری و ماندگاری پروازها فراهم شود، اما از نظر قانونی وظیفه‌ای ندارد و تنها در بحث تأمین زیرساخت‌ها وارد کار می‌شود.

۵-۱-۳-۲. مفهوم «استثنا»

حرف ربط «اما» در معنای «فقط» نیز به کار گرفته می‌شود و استثنا را نشان می‌دهد که مثال-های زیر این معنا را به خوبی تأیید می‌کنند.
۱۶. بچه‌ها آمده بودند، اما علی نیامده بود.
۱۷. با وجود صدها هزار صندلی خالی در آموزش عالی کشور، اما کنکور به بهانه ۱۳ رشته‌ای که همچنان رقابت در آن وجود دارد، به حیات خود ادامه می‌دهد.

۵-۱-۳-۳. مفهوم «افزودن»

حرف ربط «اما» به معنای «علاوه بر این» نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد و به گونه‌ای افزایش را نشان می‌دهد. مثال ۱۸ این نکته را تأیید می‌کند.
۱۸. بی‌شک نیاز به زمان دارد؛ اما باید اراده لازم در این راستا وجود داشته باشد.

۵-۱-۳-۴. مفهوم «استفهام»

گویشوران از حرف ربط «اما» به معنای «مگر» نیز در بافت‌های مختلف استفاده می‌کنند که به گونه‌ای مفهوم استفهام (پرسش) را می‌رساند.

۱۹. البته این برنامه در شهرداری‌ها فصلی است و معمولاً برای طراحی و زیباسازی ابتکاری در ایام نوروز برای جلوه‌گری زیباتر شهر است؛ اما چه اشکالی دارد و چرا این گونه نباشد که ما در زیباسازی شهر فقط یک زمان ویژه را مورد نظر قرار دهیم که آن هم موقتی و زودگذر است.

۵-۱-۳-۵. مفهوم «اختصار»

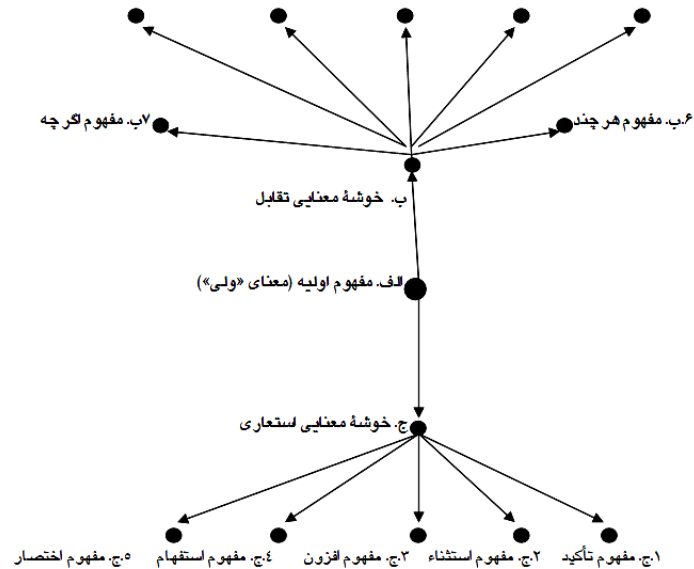
حرف ربط «اما» به معنی «باری» است و برای مختصر کردن و کوتاه کردن سخن به‌کار می‌رود.

۲۰. به گزارش همشهری به نقل از پایگاه خبری تحلیلی طلوع، اقتصاد بیمار، زیرساخت‌های فرسوده، فقر و بیکاری واژه‌هایی است که از دهه‌های گذشته با نام این شهر گره خورده است؛ واژه‌هایی که در هر گوشه این گیتی مایه شرمساری است، اما کرمانشاه، این نگین زیبای ایران‌زمین در باتلاقی از معضلات و مشکلات همچنان دست و پا می‌زند.

۵-۲. شبکه معنایی معناهای متمایز حرف ربط «اما» در زبان فارسی

گویشوران حرف ربط «اما» را در سیزده معنای متمایز در بافت‌های مختلف به‌کار می‌برند که معنا و مفهوم نخست آن «ولی» است. این حرف ربط دارای دو خوشه معنایی است. نمودار ۲، شبکه معنایی این حرف ربط را در زبان فارسی نشان می‌دهد.

۱. مفهوم با وجود این ۲. مفهوم در حلی که ۳. مفهوم با این حال ۴. مفهوم این در حلی است که ۵. مفهوم با این همه



نمودار ۲: شبکه معنایی حرف ربط «اما» در زبان فارسی

Figure 2. Semantic network of the conjunction "ʔæma" in Persian

۳-۵. معانی متمایز حرف ربط هم‌پایه «ولی» در زبان فارسی

برای بررسی چندمعنایی حرف ربط «ولی»، در ادامه به تحلیل معنایی که گویشوران فارس‌زبان از آن در بافت‌ها و جملات مختلف برداشت می‌کنند می‌پردازیم.

۱-۳-۵. مفهوم اولیه

۱-۱-۳-۵. مفهوم اولیه «اما»

نخستین معنایی که از حرف ربط «اما» به ذهن گویشور فارس‌زبان تبادر می‌کند، معنای «اما» است (به گونه‌ای تقابل را نشان می‌دهد) که همان مفهوم سرنمون است. مثال‌های ۲۱ و ۲۲ این مطلب را تأیید می‌کنند.

۲۱. انسان می‌تواند صحبت کند، ولی دیگر جانداران این توانایی را ندارند.

۲۲. به مسابقه رفتم، ولی دیر رسیدم.

۲-۳-۵. خوشه معنایی تقابل

«قیاس» خوشه‌ای معنایی است که دارای سه معنا و مفهوم مجزاست. در این خوشه معنایی، حرف ربط «ولی» بیانگر رابطه تقابل میان دو چیز یا دو شخص است که یکی در واقع همان شیء متحرک و دیگری زمینه ثابت است و همچنین تقابل میان دو موقعیت یا دو بافت خاص را نشان می‌دهد که در این‌جا مدنظر است.

۱-۲-۳-۵. مفهوم «با وجود این»

مفهوم «با وجود این» از جمله مفاهیم و معانی‌ای است که از حرف ربط «ولی» برداشت می‌شود و تقابل را نشان می‌دهد. در مثال‌های زیر این حرف ربط به معنای «با وجود این» است. گویشوران فارسی‌زبان بیان کردند که در مثال ۲۳ معنی «با وجود این» از «ولی» بهتر است.
۲۳. اصل این است که مضاف به وسیله کسره به مضاف‌الیه اضافه شود و پیش از آن بیاید، ولی گاهی مضاف، پس از مضاف‌الیه می‌آید و کسره‌اش نیز حذف می‌شود.
۲۴. هر روز این درد را داشتم، ولی طبیعی نبود که به او مراجعه کنم.

۲-۲-۳-۵. مفهوم «در حالی که»

در مثال‌های ۲۵ و ۲۶ حرف ربط «ولی» تقابل را نشان می‌دهد و به معنا و مفهوم «درحالی که» است.

۲۵. جمع مکسر مفرد دارد؛ ولی اسم جمع مفرد ندارد.

در مثال بالا، گویشوران فارسی‌زبان بیان کردند که تأکیدی که مفهوم و معنای «درحالی که» دارد بسیار بیشتر از تأکیدی است که معنای «ولی» را منتقل می‌کند.

۲۶. وقتی زبان برای انتقال ذهنیات واقعی به‌کار می‌رود و منظور از آن آگاهی دادن است، گوینده نیروی تعقل شنونده را مخاطب قرار می‌دهد؛ ولی وقتی زبان برای استتار اندیشه به‌کار می‌رود، گوینده به احساسات و عواطف شنونده متوسل می‌شود و از آن‌ها برای برانگیختن یا متقاعد کردن او استفاده می‌کند.

در مثال ۲۵ و ۲۶، گویشوران فارسی‌زبان بیان کردند که در این جا «ولی» معنا نمی‌دهد و در مفهوم «در حالی که» مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۳-۲-۵. مفهوم «حال آن که»

گویشوران فارس‌زبان از این حرف ربط در معنا و مفهوم «حال آنکه» هم استفاده می‌کنند. نمونه ۲۷ مؤید این مطلب است.

۲۷. سال اول به دلیل کمبود منابع مطالعاتی در کنکور رد شدم، ولی سال بعد با رتبه ۹۲۶ منطقه سه کشوری در دانشگاه شهید بهشتی تهران در رشته مشاوره پذیرفته شدم.

۴-۲-۵. مفهوم «با این حال»

حرف ربط «ولی» در مفهوم و معنای «با این حال» نیز به کار می‌رود که مثال ۲۸ این مطلب را تأیید می‌کند.

۲۸. نکته قابل توجه اینکه فرصت وارد کردن شماره شبها برای مشمولان سهام عدالت همچنان وجود دارد، ولی طبیعی است که تا زمانی که سازمان خصوصی‌سازی شماره شبایی از مشمولان سهام عدالت ندارد نمی‌تواند مبلغی را بابت سود سهام عدالت به حساب آنها واریز کند.

۵-۲-۵. مفهوم «گرچه»

مفهوم دیگری که از حرف ربط «ولی» برداشت می‌شود، معنا و مفهوم «گرچه» است که گویشوران در بافت‌های خاصی به کار می‌برند. نمونه ۲۹ تأییدی بر این ادعاست.

۲۹. اختلاف بین گفتار و نوشتار در بعضی زبان‌ها کم است، ولی در بعضی زبان‌ها این شکاف وسیع است.

۶-۲-۵. مفهوم «هرچند»

علاوه بر معنایی که در قسمت بالا ذکر شد و به گونه‌ای نوعی تقابل معنایی را نشان دادند، گویشوران از این حرف ربط در معنای «هرچند» نیز استفاده کردند که نشان‌دهنده نوعی تقابل معنایی میان دو موقعیت متفاوت است.

۳۰. البته این یکی از تأثیرات خواهد بود، ولی نمی‌دانم که تا چه حد می‌تواند در رابطه با موضوعات دیگر مهم باشد.

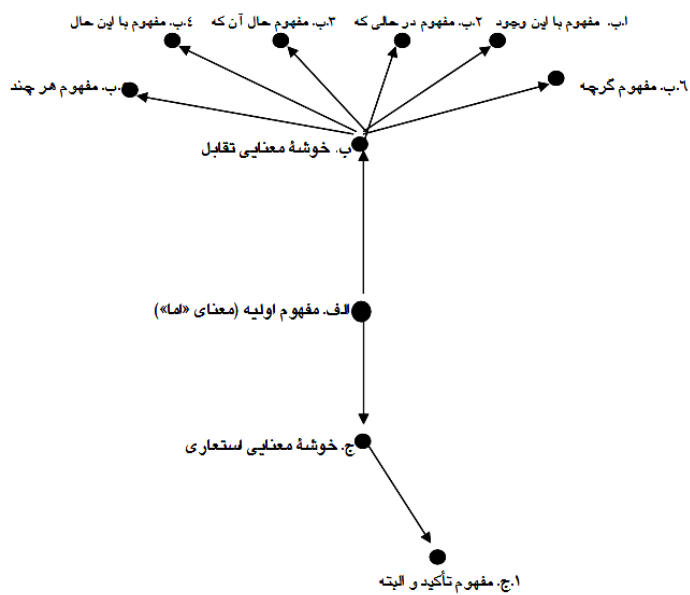
۳-۳-۵. خوشه معنایی استعاری

۳-۳-۵-۱. مفهوم «تأکید و البته»

گویشوران در بافت‌های خاصی از حرف ربط «ولی» به معنا و مفهوم «تأکید و البته» استفاده می‌کنند تا تأکید خود را نشان می‌دهند.

۳۱. زبان از ماده صوتی استفاده می‌کند، ولی نه از همه خصوصیات آن.

۳۲. از آنجایی که شاید این اولین دستور ساختمانی زبان فارسی باشد که با اسلوب نوین زبان‌شناسی عرضه می‌شود، بدون تردید معایبی دارد، ولی در ابتدای کار این لغزش‌ها اجتناب‌ناپذیر است و امید است با تذکر صاحب‌نظران عیوب آن بر طرف شود.



نمودار ۳: شبکه معنایی حرف ربط «ولی» در زبان فارسی

Figure 3. Semantic network of the conjunction "væli" in Persian

۶. نتیجه

پژوهش انجام‌شده به‌نوبه خود دارای دستاوردها و نتایجی بوده است که نگارندگان در ادامه به‌تفصیل به آن‌ها خواهند پرداخت. این پژوهش با به‌کارگیری انگاره چمای مورد نظر ایوانز و گرین (2006) در رویکرد شناختی نشان داد که به ترتیب حرف ربط هم‌پایه «اما» دارای مفهوم اولیه «ولی» است و حرف ربط هم‌پایه «ولی» دارای مفهوم اولیه «اما» است که این دو حرف ربط در مفهوم اولیه، تقابل بین دو موقعیت و یا بافت مختلف را نشان می‌دهد. سایر مفاهیم از مفهوم اولیه این دو حرف ربط مشتق شده‌اند و مجموعه این مفاهیم یک شبکه معنایی را تشکیل می‌دهند؛ به این ترتیب که مفاهیم اولیه در مرکز این شبکه‌ها قرار می‌گیرند. حرف ربط هم‌پایه «اما» دارای سیزده معنای مجزا و دو خوشه معنایی «تقابل» و «استعاری» و حرف ربط «ولی» دارای هشت معنای مجزا و دو خوشه معنایی است. نتایج حاصل از این پژوهش کارآمدی روش ایوانز و گرین (2006) در زمینه تعیین مفهوم اولیه و مفاهیم متمایز در مورد این دو حرف ربط را تأیید می‌کنند. نگارندگان پس از بررسی این دو حرف ربط در این مقاله پیشنهاد می‌کنند که فرهنگ‌نویسان می‌توانند با بهره‌گیری از دستاوردهای معنی‌شناسی شناختی، نگاهی جامع‌تر و دقیق‌تر در فرهنگ‌نویسی به‌دست آورند. همچنین دستوریان زبان فارسی می‌توانند از این دستاوردها در کتب آموزش زبان فارسی استفاده کنند؛ زیرا این پژوهش‌ها می‌تواند در تسریع امر آموزش معانی حروف ربط که در بافت‌های مختلف دارای معانی متفاوت و مرتبط با هم هستند، برای زبان‌آموزان مفید باشد.

۷. پی‌نوشت‌ها

1. cognitive linguistics
2. G. Lakoff
3. R. Langacker
4. ploysemy
5. principled-polysemy approach
6. دهقان (۱۳۹۷) با استفاده از سرواژه‌های به‌کاررفته در رویکرد شناختی واژه جدید «چما» را به دست داده است.
7. prototype
8. semantic cluster
9. contrast

10. metaphoric
11. reasoning
12. construal
13. mapping
14. radial network
15. radial categories
16. trajector
17. landmark
18. argument

۸. منابع

- انوری، حسن و حسن احمدی گیوی (۱۳۹۰). *دستور زبان فارسی ۱ و ۲*. چ ۴. تهران: فاطمی.
- بامشادی، پارسا و همکاران (۱۳۹۵). «بررسی معنایی سه حرف اضافه *æra*, *ta*, *wæɪ* در کردی گورانی از دیدگاه شناختی». *جستارهای زبانی*. د ۷. ش ۴. صص ۵۹-۸۰.
- دهقان، مسعود (۱۳۹۷). «بررسی معنایی حروف اضافه */wæpi/*, */wægævd/*, */wæ* /, */læ/* در کردی بر اساس رویکرد شناختی». *جستارهای زبانی*. د ۹. ش ۲. صص ۱-۳۳.
- راسخ مهند، محمد (۱۳۸۹). *درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی: نظریه‌ها و مفاهیم*. ج ۱. تهران: سمت.
- راسخ مهند، محمد و نفیسه رنجبر ضرابی (۱۳۹۲). «بررسی شبکه معنایی حروف اضافه "در" و "سر"». *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*. د ۳. ش ۵. صص ۹۵-۱۱۱.
- روشن، بلقیس و لیلا اردبیلی (۱۳۹۲). *مقدمه‌ای بر معناشناسی شناختی*. ج ۱. تهران: علم.
- زاهدی، کیوان و عاطفه محمدی زیارتی (۱۳۹۰). «شبکه معنایی حرف اضافه فارسی "از" در معنی‌شناسی شناختی». *تازه‌های علوم شناختی*. د ۱۳. ش ۱. صص ۶۷-۸۰.
- سبزواری، مهدی (۱۳۹۷). «بررسی انواع چندمعنایی در فارسی معیار با رویکردی شناختی». *جستارهای زبانی*. انتشار آنلاین: ۳ شهریور ۱۳۹۶.
- صفوی، کوروش (۱۳۹۱). *درآمدی بر معنی‌شناسی*. ج ۱. چ ۱. تهران: علمی.
- گلغام، ارسلان و فاطمه یوسفی‌راد (۱۳۸۵). «بررسی حروف اضافه مکانی در چارچوب شناختی».

مطالعه موردی حرف اضافه "در / توی". *زبان و زبان شناسی*. د ۲. ش ۳. صص ۳۳-

۴۶

References:

- Anvari, H. & H. A. Givi, (2011), *Persian Language Grammar 1 & 2.4th Edition*. Tehran: Fatemi. [In Persian] .
- Bamshadi, P.; J. Bamshadi & Sh. Ansarian, (2016), "Semantic analysis of prepositions wæ, ta & æra in Gurani Kurdish within the cognitive perspective". *Language Related Research*. 7 (4). Pp. 59-80. [In Persian].
- Dehghan M. (2018). "Polysemic analysis of the preposition /læ/ , /wæ/, /-wægærd / and /wæpi/ in Kalhori Kurdish within principled- polysemy approach. *IQBQ*. 2018; 9 (2) .Pp.1-33
- Evans, V. & A. Tyler,(2004a), "Rethinking English prepositions of movement: The case of To and Through". *Belgian Journal of Linguistics*. 18. Pp. 247–270.
- Evans, V. & A. Tyler, (2004b), "Spatial experience, lexical structure and motivation: the case of in". In G. Radden and K. Panther (eds.). *Studies in Linguistic Motivation*.Pp. 157–192. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Evans, V. & M. Green. (2006). *Cognitive Linguistics*:1 Volume. Edinburgh: Edinburgh University Press ltd.
- Evans, V. (2013). *Language and Time: A Cognitive Linguistic Approach*. Cambridge: Cambridge university press.
- Geeraerts, D. (2006). "A Rough Guide to Cognitive Linguistics". In: D. Geeraerts (Ed). *Cognitive linguistics: Basic Readings* . (Pp.1-28). Berlin & New York: Mouton de Gruyter.
- Geeraerts , D. & H. cuyckens, (2007), *The Oxford Handbook of Cognitive Linguistics*. Oxford: oxford University press. 8 periods.
- Golfam, A. & F. Yussefi Rad, (2006), "The analysis of spatial prepositions within the cognitive framework". *Language and Linguistics*. 2(3).Pp. 33-46. [In Persian].

- Rasekhmahand, M. (2010). *An Introduction to Cognitive Linguistics: Theories and Concepts*. Tehran: SAMT. [In Persian].
- Rasekh mahand, M. & N. Ranjbar Zarrabi, (2013), "The semantic networks of two prepositions; Dar and Sar". *Journal of Comparative Linguistic Researches*. 3(5).Pp. 95-111. [In Persian].
- Rowshan, B. & L. Ardabili, (2013), *An Introduction to Cognitive Semantics*. Volume 1. Tehran: Elm Publication. [In Persian].
- Sabzevari M. (2018). "Types of polysemy in standard Persian: a cognitive approach". *IJBQ*. 2018. 9 (3) .Pp.251-271[In Persian].
- Safavi, K. (2012). *An Introduction to Semantics*. Volume 1. First publication. Tehran: Elmi.[In Persian].
- Sandra, D. & S. Rice, (1995), "Network Analysis of prepositional meaning: Mirroring whose Mind – *The linguists or the Language Users Cognitive Linguistics*. 6 periods.
- Tyler, A. & V. Evans (2001). "Reconsidering prepositional polysemy networks: The case of over". In V. Evans, B. Bergen, and J. Zinken (Eds.), *The Cognitive Linguistics Reader*.Pp.186-238. London: Equinox.
- Tyler, A. & V. Evans. (2003). "Reconsidering Prepositional Polysemy Network: The case of over". In: B. Nerlich , Z .Todd ,V. Herman & D.D. Clark (Eds.) , *polysemy: Flexible Patterns of Meaning in Mind and Language* . (Pp.95-156). Berlin: Mouton de Gruyter.
- Zahedi, K. & A. Mohammadi Ziyarati (2011). "Semantic network of preposition æz within the framework of cognitive semantics". *Advances in Cognitive Sciences*. 13 (1). Pp. 67-80. [In Persian].